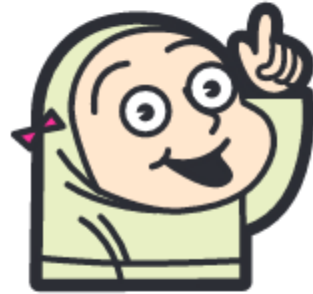




# آداب دوستی



آیا تا به حال این عبارت را شنیده‌اید که می‌گویند: پیدا کردن دوست آسان است اما نگهداری آن مشکل! منظور از این ضرب‌المثل چیست؟

## چگونه با دوستانمان رفتار کنیم؟

حفظ و نگهداری دوستی یک موضوع مهم است. حفظ دوستی یعنی اینکه ما با دوستانمان چه رفتارهایی داشته باشیم تا دوستی ادامه پیدا کند؟ چه کنیم تا دوستی‌ها به هم نخورد و محکم‌تر شود؟



به طور گروهی رفتارهایی را که موجب ناراحتی دوستان از یکدیگر و برهم خوردن دوستی‌ها می‌شود، فهرست کنید و در کلاس بخوانید.

- ۱- دروغ گفتن
- ۲- بدبینی نسبت به یگدیگر
- ۳- درک نکردن یکدیگر
- ۴- بد اخلاقی و بی ادبی
- ۵- راز دار نبودن
- ۶- گذشت نداشتن
- ۷- خیرخواه یکدیگر نبودن
- ۸- فخر فروشی و خود بزرگ بینی
- ۹- عیب‌جویی از دوستان و عیب دوست خود را به دیگران گفتن.



شما با این فعالیت توانستید برخی از کارهایی را که به رابطه‌ی دوستی آسیب می‌رساند، پیدا کنید.



- ★ به دوست وفادار باشیم و در غیاب دوستان هم از او دفاع کنیم.
- ★ کاری نکنیم که دوستان ما به خاطر خواسته‌های ما به دردسر و زحمت بیفتند.
- ★ اگر خطایی از دوستان دیدیم، عیب‌جویی نکنیم؛ بلکه با رفتار محبت‌آمیز و در خلوت به او تذکر دهیم.
- ★ اگر دوستان کار اشتباهی انجام داده است و عذر می‌خواهد، او را ببخشیم.
- ★ بایکدیگر با احترام برخورد کنیم و بیش از حد شوخی نکنیم.
- ★ در مسائل و مشکلات با هم احساس همدردی و خیرخواهی داشته باشیم و به هم کمک کنیم.



هر چیزی حد و مرزی دارد. دوستی‌ها هم حد و مرز مشخصی دارند که اگر از حد خود خارج شوند، مشکلاتی به وجود می‌آورند. گاهی ممکن است بعضی از دوستان خیلی به هم وابسته بشوند؛ به طوری که اگر حتی یک روز همدیگر را نبینند، ناراحت شوند. این نوع وابستگی زیاد از حد به دوست، آرامش روانی افراد را برهم می‌زند. پس باید از دوستی‌های افراطی پرهیز کرد.

درباره‌ی موقعیت ۲ در کاربرگه‌ی ۱، گفت‌وگو کنید.





گاهی در روابط با دوستان یا حتی بزرگ‌ترها، موقعیت‌هایی پیش می‌آید که افراد از ما درخواست‌های نابجایی دارند. در این موارد ما با اینکه میل نداریم خواسته‌ی آنها را بپذیریم برای ما خیلی سخت است که به آنها «نه» بگوییم. ممکن است احساس کنیم که با نه گفتن، آنها از دست ما ناراحت می‌شوند یا از اینکه نظر واقعی‌مان را بگوییم خجالت بکشیم. گاهی هم تصور می‌کنیم که اگر به آنها «نه» بگوییم، ما را مسخره می‌کنند یا فکر می‌کنند ما بچه هستیم.





به این مثال توجه کنید :

رضا و مجید در خانه‌ی احسان رفته‌اند و از او می‌خواهند که همراهشان به پارک برود تا با هم بازی کنند. احسان می‌گوید : مادرم برای خرید از خانه بیرون رفته و از من خواسته است تا مواظب برادر کوچکم باشم. دوستان احسان باز هم اصرار می‌کنند و حتی به او می‌گویند : خوب برادرت را هم به پارک بیاور. اما احسان قاطعانه و محترمانه می‌گوید : نه بچه‌ها، دلم می‌خواهد با شما بازی کنم ولی امروز نمی‌توانم بیایم. چون باید به حرف مادرم گوش کنم؛ ان شاء الله یک روز دیگر.

آیا شما تاکنون در موقعیت‌هایی مانند احسان قرار گرفته‌اید؟ تعریف کنید.

اگر انسان برخلاف عقیده‌ی خودش، همه‌ی خواسته‌های دیگران را قبول کند و بخواهد آنها را راضی نگه دارد، ممکن است حتی برای خود و خانواده‌اش دردسر درست کند.





- وقتی کسی از شما چیزی یا کاری را می‌خواهد که به نظر شما نادرست است، باید قاطعانه و محکم «نه» بگویید.
- از «نه» گفتن خجالت نکشید؛ اما سعی کنید محترمانه «نه» بگویید.
- اگر لازم دانستید دلیل «نه» گفتن خودتان را هم بگویید.



## فعالیت ۲

کاربرگی شماره‌ی (۱) و (۲) را انجام دهید.

## فعالیت ۳

معنی این شعر چیست؟ مربوط به کدام یک از توصیه‌های مربوط به دوستی در صفحه‌ی قبل است؟

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و در ماندگی

(سعدی)



بحث گروهی - موقعیت‌های زیر را بخوانید و درباره کارهای افراد گفت‌وگو کنید. کار کدام یک از آنها درست یا نادرست است؟ بهتر است هر یک از آنها در این موقعیت چگونه رفتار کنند؟

حسن و پوریا در همسایگی هم زندگی می‌کنند و با هم دوست و همکلاس هستند. آنها فردا امتحان ریاضی دارند. پوریا نتوانسته است بعضی مطالب را خوب یاد بگیرد و از حسن خواهش می‌کند که به خانه آنها بیاید و به او ریاضی یاد بدهد. از طرفی حسن می‌خواهد بهترین نمره کلاس را بگیرد و نفر اول باشد و نمی‌داند چه تصمیمی بگیرد. ← پوریا کار درستی کرده که از حسن درخواست کمک کرده است. حسن هم می‌تواند به پوریا ریاضی یاد بدهد و هم می‌تواند با تلاش، بهترین نمره کلاس را بگیرد.

سارا و نرگس دوستان صمیمی هستند. آنها هر روز باهم به مسابقه می‌روند. با هم درس می‌خوانند و گاهی در روزهای تعطیل نیز به خانه یکدیگر می‌روند. خانواده نرگس یک خانه جدیدی در یک محله دیگر شهر خریده‌اند و قرار است به آنجا اسباب‌کشی کنند. نرگس هم باید در یک مدرسه دیگر ثبت‌نام کند. سارا خیلی گریه می‌کند و نمی‌تواند درس‌هایش را خوب بخواند. ← سارا کار درستی نمی‌کند. سارا و نرگس می‌توانند در هفته یک یا دو بار به کمک والدین به خانه یکدیگر بروند تا هم دیدارها تازه شود هم با یکدیگر درس بخوانند، اما سارا باید بداند دوستی تا جایی خوب است که به ما ضربه نزند. او دچار دوستی افراطی شده و بهتر است این مشکل را حل کند.

مریم و لیلا باهم دوست هستند مریم متوجه می‌شود که لیلا گاهی پشت سر یکی از همکلاسی‌هایشان بدگویی می‌کند. مریم با مهربانی به لیلا می‌گوید: همان‌طور که ما دوست نداریم کسی پشت سر ما حرف بزند، پس ما هم نباید پشت سر دیگران عیب‌گویی کنیم؛ اما لیلا اخم‌هایش را در هم می‌کشد و ناراحت می‌شود و ... ← لیلا کار اشتباهی می‌کند او باید بداند که دوست خوب کسی است که عیب‌های دوستش را به او گوشزد کند. مریم کار کاملاً درستی انجام داده است و درست نیست لیلا از دست او ناراحت شود.



۱- تمرین «نه گفتن»: همفکری کنید و جمله‌ای مناسب بنویسید.

یکی از همکلاسی‌هایتان، شما را به جشن تولدش دعوت کرده است. پدر و مادرتان، هم کلاسی شما و خوانواده‌اش را نمی‌شناسند و به شما اجازه نمی‌دهند در این مهمانی شرکت کنید. همکلاسی شما دوباره تلفن می‌زند و به شما اصرار می‌کند که حتماً بیایید. شما چه می‌گویید؟ چگونه؟ ← با احترام و لحن جدی می‌گویم، چون احترام پدر مادرم خیلی مهم است و آنها راضی نیستند، پس نمی‌توانم بیایم. بعد تولدش را تبریک گفته و معذرت خواهی می‌کنم.

یکی از دوستان شما، تشویقتان می‌کند که باهم در امتحان تقلب کنید و شیوه‌ای را هم برای این کار به شما نشان می‌دهد. اما نظر شما این است که هر نمره‌ای بگیرید، بهتر از این است که این کار نادرست را انجام بدهید. شما چه می‌گویید؟ چگونه نظر خود را مطرح می‌کنید؟ ← هر نمره‌ای بگیرید بهتر از تقلب (دزدی علمی) است. زیرا تقلب کردن، یعنی دزدی و دروغ گفتن به خود معلم؛ بنابراین نظر خود را محترمانه و قاطعانه مطرح می‌کنم.

حمید با عجله در حال رفتن به مدرسه است. پسری با موتور به او نزدیک می‌شود و می‌گوید: می‌خواهی تو را سریع به مدرسه برسانم؟ سوار شو. حمید آن پسر را نمی‌شناسد نباید اعتماد کنیم، چون ممکن است به ما آسیب بزند. حمید باید قاطعانه «نه» بگوید.

نرگس و نسترن در حال برگشتن از مدرسه هستند. خانمی به آنها نزدیک می‌شود و می‌گوید: در کوچه مجاور، در خانه‌ای نمایشگاه لباس‌های قشنگ و ارزان قیمت بر پا شده است. او به نرگس و نسترن اصرار می‌کند که به همراهش بروند و اگر لباس‌ها را پسندیدند، بعداً با خوانواده‌هایشان به خرید بیایند. به نظر شما نرگس و نسترن چه پاسخی باید بدهند؟ چرا؟



باید قاطعانه بگویند که همراه مادرشان می‌آیند هیچ وقت به کسی که نمی‌شناسند اعتماد نکنند، حتی اگر بهترین پیشنهادها را به آنها بدهند.  
در یک بند به طور مختصر بنویسید.

۲- شما به عنوان یک دوست خوب چه کارهایی برای دوستانتان انجام می‌دهید و چگونه رفتار می‌کنید؟ سعی می‌کنم در مشکلات به آنها کمک کنم و غم خوارشان باشم. گذشت و فداکاری باعث حفظ دوستی‌ها می‌شود، به آنها احترام می‌گذارم، با آنها صادقانه رفتار می‌کنم و هرگز دروغ نمی‌گویم و حدّ و مرز دوستی را رعایت می‌کنم.

۳- این عبارتها را به دلخواه کامل کنید:

\* دوست من کسی است که ← در سختی‌ها مرا تنها نگذارد، در اشتباهات مرا هدایت کند و اشتباه مرا ببخشد و با من خوش رفتاری کند، مرا در کارهای راهنمایی کند و خیرخواه من باشد.

\* من به دوستانم احترام می‌گذارم زیرا ← آنها را دوست دارم و با هم عهد و پیمان دوستی بسته‌ایم که به همدیگر احترام بگذاریم و بدی یکدیگر را نخواهیم.

\* هر گاه از دوستم خطایی مشاهده کنم ← در خلوت و دور از چشم دیگران به او گوشزد می‌کنم و خطایش را می‌بخشم، زیرا انسان مؤمن خوبی‌ها را می‌بیند و اشتباهات دیگران را می‌بخشد.

معنی این شعر چیست؟ مربوط به کدام یک از توصیه‌های مربوط به دوستی در صفحه قبل است؟

دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی

(سعدی)

دوست کسی است که در هنگام ناراحتی و گرفتاری دست دوست خود را بگیرد. (به کمک و یاری رساند).

این بیت مربوط به توصیه‌ای است که می‌گوید دوستان باید در مسائل و مشکلات باهم احساس همدردی و خیرخواهی داشته باشند و به هم کمک کنند.



